

Explanation of Settings and Contexts of Geopolitical Relations in the Persian Gulf Region

Bahador Zarei

Assistant Professor of Political Geography, University of Tehran. Tehran, Iran.

b.zarei@ut.ac.ir

Sayed Mehdi Mousavi Shahidi

Corresponding Author, PhD student in Political Geography, University of Tehran,

Tehran, Iran. S.m.mousavi1990@ut.ac.ir

Abstract

Geopolitical relations are the relations between political units based on the context of geographical web sites. Scales in geopolitical relations are at three levels: international, regional and global. This descriptive-analytical study tries to identify the most important settings and contexts of geopolitical relations between political units at the scale of the Persian Gulf regions. Identifying the contexts and fields of relations between the countries located in the Persian Gulf region is of great importance due to the geopolitical and geo-economic position of this region in the structure of world power. In this research, first the theories and approaches of relations have been studied and their common chapter has been extracted in order to identify the areas affecting the relations of countries and then these components have been implemented in relation to the Persian Gulf. The results of the research show that the most important contexts and fields of geopolitical relations between the countries in the Persian Gulf region are in four dimensions: hydro-political, geopolitical, geo-economics and geo-culture. The most important factors influencing the relations between countries include the geopolitical position of the region, territorial claims of the countries in the region to each other, ideological orientation in the region, bipolar geopolitical structure, conflicting security approaches, water shortages and common border rivers, geopolitical codes Conflict, competition for regional hegemony between Iran and Saudi

Arabia, disagreement on some common maritime borders, existence of the Strait of Hormuz, unequal geopolitical weight of the countries in the region, failure to form a comprehensive regional organization, religious and ethnic ties have located among the countries of the region.

Keywords: *Geopolitics, Geo-culture, Hydro-politics, Geo-economics, Persian Gulf*



تبیین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس^۱

بهادر زارعی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران b.zarei@ut.ac.ir

سید مهدی موسوی شهیدی

نویسنده مسؤل، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

S.m.mousavi1990@ut.ac.ir

چکیده

روابط ژئوپلیتیک روابط میان واحدهای سیاسی بر اساس زمینه و بسترهای جغرافیایی است. مقیاس‌ها در روابط ژئوپلیتیک در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و جهانی قرار دارد. این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی سعی در شناسایی مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان واحدهای سیاسی در مقیاس منطقه‌ای خلیج فارس دارد. شناسایی بسترها و زمینه‌های روابط کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس بدلیل جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این منطقه در ساختار قدرت جهانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در این پژوهش ابتدا نظریه‌ها و رویکردهای روابط مورد بررسی قرار گرفته و فصل مشترک آن‌ها در راستای شناسایی زمینه‌های تاثیرگذار بر روابط کشورها استخراج گردیده است و سپس این مولفه‌ها در ارتباط با خلیج فارس پیاده سازی شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک میان کشورها در منطقه خلیج فارس در چهار بعد هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر قرار دارد. مهم‌ترین بسترهای تاثیرگذار بر روابط کشورها نیز شامل موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه، ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر، ایدئولوژیک‌گرایی موجود در منطقه، ساختار ژئوپلیتیک دو قطبی، رویکرد امنیتی متعارض کشورها، کمبود آب و رودخانه‌های مرزی مشترک، کدهای ژئوپلیتیک متعارض، رقابت برای هژمونی منطقه‌ای میان ایران و عربستان، عدم توافق در برخی از مرزهای دریایی مشترک، وجود تنگه

۱. این یک مقاله دسترس‌ی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین روابط ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس» در دانشگاه تهران می باشد.

۱. استراتژیک هرمز، وزن ژئوپلیتیک نابرابر کشورهای منطقه، عدم موفقیت در شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای جامع و پیوندهای مذهبی و قومی میان کشورهای منطقه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، هیدروپلیتیک، ژئواکونومیک، خلیج فارس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۴۷-۸۷۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در حال حاضر تمرکز بر روابط بین کشورها از منظر ژئوپلیتیک و جغرافیا تأثیرات قدرتمندی بر روند توسعه اقتصادی و سیاسی جهان دارد. در حال حاضر و در موج جهانی شدن و فناوری اطلاعات، ژئوپلیتیک به موضوع بسیار مهم تبدیل شده است. بررسی مقالات و تحقیقات انتشار یافته در وب سایت علم از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵ نیز نشان دهنده مقالات و تحقیقات کلیدی در حوزه‌های ژئوپلیتیک است. در این میان حوزه‌های اساسی ژئوپلیتیک نیز شامل «تفسیر ژئوپلیتیکی کشورها و مرزها»، «روابط کشورها از منظر ژئوپلیتیک»، «ژئوپلیتیک احساسی» و «ژئوپلیتیک فمینیسم» است. بنابراین اگرچه همچنان امروزه نیز ژئوپلیتیک انتقادی، کشورها و ایالت‌ها همچنان مانند گذشته موضوع اصلی ژئوپلیتیک محسوب می‌گردند اما امروزه موضوعات جدیدی نظیر ژئواکونومیک جهانی، ژئوکالچر، مرزها و قلمروها، روابط، سیاست‌های اکولوژیک و غیره به ژئوپلیتیک اضافه گردیده است که تمام این مفاهیم می‌توانند در حوزه ژئوپلیتیک مورد بحث و بررسی قرار گیرند. بنابراین در حال حاضر مطالعه روابط کشورها از منظر ژئوپلیتیک جزو حوزه‌های مطالعاتی جدید و دارای اهمیت است. از سوی دیگر در حال حاضر، منطقه خلیج فارس یکی از مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی جهان شناخته می‌شود. از یک سو این مهم با نگاهی به تئوری‌های نظیر «بیضی استراتژیک انرژی از جفری کمپ»، «مرکز-مرکز از فوردی لوهازن» مشاهده می‌گردد و از سوی دیگر اهمیت خلیج فارس به خاطر وجود منابع ژئواکونومیک و معدنی، وجود مکان‌ها و مناطق استراتژیک نظیر تنگه هرمز، ابوموسی، تنب بزرگ و اروند رود و همچنین تلاش قدرت‌های فرامنطقه‌ای

برای اثر گذاری در منطقه است. بنابراین متناسب با اهمیت این منطقه، الگوی روابط ژئوپلیتیک در مقیاس‌های بین‌کشورها، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای میان کشورها شکل می‌گیرد. پیش‌نیاز مطالعات و بررسی‌های روابط ژئوپلیتیک در هر مقیاسی شناخت بسترها و زمینه‌های روابط است که منجر به تعامل، رقابت و تنش میان کشورها می‌گردد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی در مقیاس منطقه‌ای خلیج فارس است. رویکردهای موجود در زمینه روابط ژئوپلیتیکی توسط اندیشمندان ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل ارائه شده است که در این پژوهش از مطالعه و ترکیب نظریه‌ها مهم‌ترین بسترهای تاثیر گذار بر روابط ارائه می‌گردد. نوآوری این پژوهش نیز در شناسایی بسترهای و زمینه‌های تاثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس است که از یک سو هم اهم نظریات و رویکردهای ارائه شده توسط اندیشمندان مطالعه گردیده و هم مهم‌ترین زمینه‌های تاثیرگذار ارائه شده است.

مفاهیم نظری تحقیق

۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک عبارتست از ترکیب جغرافیا، سیاست و قدرت. «درباره موضوع و مفهوم ژئوپلیتیک دیدگاه‌های متفاوتی بیان شده است؛ بر همین اساس طیف موضوعی ژئوپلیتیک بسیار گسترده است؛ ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش کسب قدرت، ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش رقابت و حوزه نفوذ، ژئوپلیتیک به‌عنوان تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولتها، ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش مناطق بحرانی، ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش مرزهای بین‌الملل، ژئوپلیتیک به‌عنوان نتایج منطبق نمودن دو الگوی فضایی عرضه و تقاضای منابع حیاتی» (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص. ۱۸-۱۷).

۲. روابط ژئوپلیتیک

بیشتر مفاهیم در رابطه با روابط ژئوپلیتیک معمولاً فقط تعاریف کلامی هستند. مشکل یافتن مدل‌هایی است تا معنای کیفی به روابط ژئوپلیتیکی بدهد بدین منظور ابتدا باید مجموعه‌ای از عوامل را تعریف کرد که منجر به روابط ژئوپلیتیکی می‌شود.

برای ساختن مدلی برای روابط ژئوپلیتیک باید عواملی که منجر به قدرت ملی کشورها می‌شود در نظر گرفته شود و این‌ها می‌تواند شامل عواملی نظیر جغرافیا، جمعیت، مساحت، اقتصاد، عوامل سیاسی و جنبه‌های نظامی باشد (Levkov and Makarenko, 2017, pp. 925-926). «روابط ژئوپلیتیک» روابط میان دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد است (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص. ۴۵). برخی اندیشمندان مولفه‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت و مسائل زیست‌محیطی را به‌عنوان بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط ژئوپلیتیک میان کشورها می‌دانند (Pismennaye, 2015). ابعاد روابط ژئوپلیتیک در پنج بعد تعامل، تقابل، نفوذ، رقابت و سلطه قرار دارند (پویان، ۱۳۹۲). مقیاس‌ها در روابط ژئوپلیتیک، با توجه به ماهیت تحلیل‌های ژئوپلیتیکی در مقیاس فراکشوری در سه مقیاس بین‌المللی، منطقه‌ای و جهانی انجام می‌گیرد (موسوی‌شهیدی و احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۷۲).



شکل ۱. ابعاد روابط ژئوپلیتیک

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعه و تحلیل متن

۳. مبانی نظری (روابط ژئوپلیتیک در نظریه‌ها و رویکردها)

جدول ۱. روابط ژئوپلیتیک در نظریات و رویکردها

عنوان نظریه (رویکرد)	نظریه پرداز	مؤلفه های اصلی نظریه
یوردی فون لوهازن	فون لوهازن	در این رویکرد، بر اهمیت موقعیت جغرافیایی، منابع نفت و گاز و تنگه‌های بین‌المللی در روابط کشورها تأکید شده است (Fhon Lohazon, 2000)
لوئیز ریچاردسن	ریچاردسن	در این نظریه بیش از هر چیزی بر تعداد همسایگان تأکید شده است. در واقع نویسنده معتقد است که روابط بین ناحیه‌ای (تعامل، رقابت و مشاجره) بیش از هر چیزی تابع تعداد همسایگان، عوامل فرهنگی (قومی و زبانی) و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه ای در شکل‌گیری روابط می‌باشد (Richardson, 1960).
بیضی استراتژیک انرژی	جفری کمپ	در این نظریه تأکید اصلی بر منابع ژئوآکونومیک (نفت و گاز)، موقعیت جغرافیایی، گذرگاه‌های استراتژیک (تنگه‌ها) می‌باشد (Kemp, 1997).
برخورد تمدن‌ها	هانتینگتون	در این نظریه، بیش از هر چیزی بر عامل فرهنگی تأکید شده است. همچنین این نظریه دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی را در برمی‌گرفت تأکید اصلی هانتینگتون بر عواملی نظیر عامل تاریخی و تمدنی، عامل قومی و زبانی و عوامل ایدئولوژیک در روابط کشورها می‌باشد (Huntington, 1993).
ژرارد دوسوی	ژرارد دوسوی	دوسوی بر مؤلفه‌های فیزیکی، جمعیتی، استراتژیک، نیروهای اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی (ایدئولوژیکی) در ژئوپلیتیک و روابط میان کشورها تأکید می‌کند (Murphy, 2010: 151-160).
ژئوآکونومی	لوتواک	در این نظریه بر عامل ژئوآکونومیک تأکید شده است. تعامل و رقابت میان کشورها دارای ماهیت اقتصادی و ژئوآکونومیک است. در این میان مؤلفه‌هایی نظیر منابع انرژی و گذرگاه‌های بین‌المللی نظیر تنگه های حائز اهمیت هستند (Luttwak, 1990).
هارتلند	مکیندر	در این نظریه تأکید اصلی بر موقعیت کشورها است. علاوه بر موقعیت بر مسائل سرزمینی، عوامل ژئوکالچر (زبانی و قومی)، ایدئولوژی و وسعت تأکید شده است (Mackinder, 2004).
ریملند	اسپایکمن	این نظریه نیز موقعیت محور است، علاوه بر موقعیت بر مرزهای دریایی، گروه‌های قومی کشورها تأکید شده است (Spykman, 1994).
قدرت دریایی	ماهان	در این نظریه نیز تأکید اصلی بر موقعیت جغرافیایی کشورها است، علاوه بر موقعیت، ویژگی‌های طبیعی، طول ساحل، وسعت قلمرو، جمعیت و خصوصیات ملی نیز در این نظریه مورد تأکید قرار گرفته است (Glassner, 1993).
پیتر هاگت	پیتر هاگت	در این نظریه بر ۱۲ مؤلفه جغرافیایی که منجر به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش آمیز میان کشورها می‌شود تأکید شده است. محوریت دیدگاه هاگت زمینه-های هیدروپلیتیک می‌باشد (Hagget, 2001).
منظومه‌های قدرت	برژینسکی	در این نظریه، تئوری برژینسکی نیز یک تئوری ژئوآکونومیک محور است و بیش از هر چیز بر نقش انرژی و سوخت‌های فسیلی در روابط میان منظومه‌های قدرت تأکید شده است. (Brzezinski, 1993).
گرژان داپکینک	گرژان داپکینک	در این تئوری بر مرزهای سرزمینی، کدهای ژئوپلیتیکی، انتخاب سایر کشورها و پیروی یا عدم پیروی از سیاست خارجی آن‌ها، هویت ملی کشورها، ایدئولوژی و

نقش نیروهای ذهنی و الهی در روابط میان کشورها تأکید شده است. (Dijkink, 1996).		
روزوف بر مولفه‌های ژئوپلیتیک شامل: (امنیت، قدرت، تنش و همکاری) مولفه‌های ژئواکونومیک شامل: (رشد، توسعه تجارت، سرمایه‌گذاری و وابستگی) و مولفه‌های ژئوکالچر شامل (پرستیژ، تبادل فرهنگی، شباهت یا تفاوت در ادیان مذهبی) در روابط میان کشورها تأکید می‌کند (Rozov, 2012: 4-10).	نیکولای روزوف	نیکولای روزوف
در این نظریه، بر مولفه‌های نظیر موقعیت جغرافیایی کشورها، وزن ژئوپلیتیکی، کدهای ژئوپلیتیک، بار استراتژیک منطقه، تعداد همسایگان و وسعت کشورها تأکید شده است.	والراشتاین	نظام جهانی

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی و تحلیل متون

مطالعه نظریه‌ها و رویکردها نشان می‌دهد که مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های ژئوپلیتیک به صورت اعم و روابط ژئوپلیتیک به صورت اخص در چهار طیف ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و هیدروپلیتیک قرار دارد. در این میان مهم‌ترین زمینه‌های که متناسب با وضعیت جغرافیای سیاسی منطقه خلیج فارس و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه صدق می‌کند و بر روابط کشورهای منطقه تاثیر گذار هستند موارد زیر است:

- موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه
- مسائل سرزمینی (ادعاها و اختلافات سرزمینی)
- رقابت‌های تاریخی و تمدنی
- ایدئولوژیک‌گرایی
- تعدد گروه‌های قومی در کشورهای همجوار
- رقابت‌های درون منطقه‌ای
- رویکرد امنیتی کشورها (رویکرد متعارض امنیتی)
- ساختار ژئوپلیتیک منطقه (ساختار دو قطبی)
- پیمان‌ها و ائتلاف‌ها (عدم شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای جامع)
- پیوندهای مذهبی میان کشورهای منطقه
- منابع آب و رودخانه‌های بین‌المللی
- مرزهای دریایی (ترسیم شده و ترسیم نشده)
- منابع زیرزمینی و فسیلی (منابع طبیعی مشترک میان کشورها)

• تنگه استراتژیک هرمز

با نگاهی به نظریه و رویکردها مشاهده می‌شود که هر کدام از این زمینه‌ها در نظریه‌ها و رویکردها مورد تأکید قرار گرفته است که در ادامه در یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های روابط ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس

۱. موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه

خلیج فارس از منظر ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک دارای ویژگی‌های است که بر روابط کشورها تاثیر زیاد می‌گذارد. در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌ها آورده می‌شود:

• وجود منابع زیر زمینی و فسیلی گسترده در منطقه بدین صورت که ۴۸ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و ۲۸ درصد از ذخایر شناخته شده گاز دنیا در این منطقه قرار دارد.

• محوریت در چندین تئوری نظیر تئوری برخورد تمدن‌های هانتینگتون و بیضی استراتژیک انرژی جفری کمپ.

• وجود بازار مناسب برای فروش تسلیحات توسط قدرت‌های فرمانطقه‌ای نظیر آمریکا، روسیه و اروپا.

• وجود مکان‌ها و نقاط استراتژیک نظیر تنگه هرمز، اروند رود و ابوموسی.

• ژئوپلیتیک دسترسی مناسب منطقه برای اتصال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد.

• موقعیت ارتباطی مناسب برای ارتباط میان سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا

• اتصال دهنده دریای مدیترانه، دریای سرخ، اقیانوس هند، اقیانوس اطلس و

کبیر.

۲. مسائل سرزمینی (ادعاها و اختلافات سرزمینی)

اختلافات و چالش‌های بین بازیگران منطقه‌ای و غلبه تهدید و عدم اطمینان این بازیگران به همدیگر را می‌توان مهم‌ترین مولفه‌ها در الگوهای روابط در منطقه

خلیج فارس بر شمرده. ایجاد امنیت پایدار در خلیج فارس مستلزم کاهش اختلافات و چالش‌های موجود بین کشورهای منطقه و اعتمادسازی در جهت حرکت به سوی همکاری و دوستی است. اما عوامل مختلف تاثیرگذار در الگوهای تعامل و تنش از جمله اختلافات ارضی و مرزی باعث شده است تا تهدید، تنش و رقابت‌های سخت بر همکاری و تعامل بین کشورهای منطقه غالب باشد (Stanley foundation, 2005). منطقه خلیج فارس را می‌توان کانون اختلافات و چالش‌های مرزی نامید. کشورهای واقع در این منطقه تماماً دارای اختلافات مرزی و ارضی با یکدیگر هستند که به شدت بر روی مناسبات و روابط ژئوپلیتیک با یکدیگر تأثیرگذار است. این کشورها اغلب دارای وسعت اندک و نیازمند سرزمین بیشتر برای احداث صنایع نفت و گاز و همچنین صنایع پایین دستی هستند. بنابراین اختلافات سرزمینی فراوانی بر سر مناطق، جزایر و مرزهای مشترک در این قلمرو وجود دارد. در میان این هشت کشور حوزه خلیج فارس، ناآرام‌ترین و ناراضی‌ترین کشور عراق بوده که در فاصله یک دهه دوبر وارد جنگ با همسایگان خود به دلیل اختلافات ارضی و مرزی شده است. اما مشکل مرزها در این منطقه به عراق ختم نمی‌شود. عربستان سعودی با همه همسایگان خود از عمان تا کویت اختلافات مرزی و ارضی حل نشده دارد. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران که سراسر مرزهای شمال خلیج فارس را در اختیار دارد با دو مشکل رو به روست. مشکل نخست مرزهای دریایی افراز^(۱) ناشده با کویت و عمان که برای حل آن، اقدامات تعیین حدود مرزی به کندی پیش می‌رود. مشکل دوم اختلافات مرزهای دریایی ایران و امارات متحده عربی است که به نظر می‌رسد در کوتاه مدت امیدی برای حل آن در شرایط روابط خاکستری موجود بین دو کشور و نقش بازگیران منطقه ای و فرامنطقه ای وجود ندارد. در ادامه در جدول زیر مهم‌ترین ادعاها و اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول ۲. اختلافات سرزمینی در منطقه خلیج فارس

نام کشور	اختلافات ارضی	علل اختلاف
ایران	اختلاف با عراق اختلاف با کویت اختلاف با امارات	رودخانه ی اروندرود خط مبدا، فلات قاره، حوزه ی انرژی آرش تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی
عراق	اختلاف با ایران اختلاف با کویت اختلاف با عربستان	رودخانه ی اروندرود جزایر بوییان و وره منطقه ی بی طرف
عربستان	اختلاف با عراق اختلاف با کویت اختلاف با عمان اختلاف با قطر	منطقه ی بی طرف جزایر قروه و ام المرادیم اختلاف ارضی منطقه ابوالخفوس و جزیره حالول
کویت	اختلاف با عربستان اختلاف با عراق اختلاف با ایران	جزایر قروه و ام المرادیم جزایر بوییان و وره خط مبدا، فلات قاره، حوزه ی انرژی آرش
امارات	اختلاف با قطر اختلاف با ایران اختلاف با عمان	خور العدید تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی مالکیت منطقه بریمی و مناطق نفتی راس الخیمه
قطر	اختلاف با عربستان اختلاف با امارات اختلاف با بحرین	منطقه ابوالخفوس و جزیره حالول خور العدید مجمع الجزایر حوار
عمان	اختلاف با امارات اختلاف با عربستان	مالکیت منطقه بریمی و مناطق نفتی راس الخیمه اختلاف ارضی
بحرین	اختلاف با قطر	مجمع الجزایر حوار

منبع: (رحیم پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۸).

۳. رقابت‌های درون منطقه‌ای

در حال حاضر رقابت‌های درون منطقه‌ای در اشکال گوناگون نظیر کدهای ژئوپلیتیک، اختلافات سرزمینی، مسابقه تسلیحاتی و روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه خلیج فارس خود را نشان می‌دهد. با نگاهی اجمالی به وضعیت هشت کشور خلیج فارس، مشخص می‌شود که هر دولتی از دیگری می‌ترسد. در نتیجه، در ابتدا توسعه قدرت نظامی دولت‌ها برای مبارزه با تهدیدات، منطقی‌ترین راه‌حل به نظر می‌رسد. البته توسعه مسابقه تسلیحاتی در منطقه به خودی خود به یک دور باطل منجر خواهد شد. لازم به ذکر است طی ۱۲ سال گذشته عربستان سعودی، کویت و امارات به ترتیب ۱۵۲،۵۲۲ و ۲۷۵ میلیارد دلار قرارداد نظامی با کشورهای خارجی منعقد کرده‌اند و در سال‌های اخیر شاهد

قراردادهای نظامی عظیم کشورهای منطقه به ویژه امارات بوده‌ایم که با کشورهای خارج از منطقه تنظیم شده است. رقابت تسلیحاتی نتیجه مستقیم انگیزه‌های غالب در منطقه است. آمریکا با پیروی از استراتژی موازنه قوا در منطقه و جلوگیری از ظهور قدرت برتر، زمینه را برای توسعه رقابت تسلیحاتی فراهم کرده است. در واقع، دولتمردان سیاسی غربی در حرکتی همسو با مدیران مجتمع‌های نظامی و صنعتی به طور پیوسته ایران را تهدیدی علیه امنیت کشورهای عرب منطقه خلیج فارس مطرح ساخته و با تأکید بر خطر ایران هسته‌ای، این تهدید را بسیار هراسناک جلوه‌گر می‌سازد؛ امری که در پی خود سرمایه‌های ملی هنگفتی را به پیمانکاران دفاعی مجتمع‌های نظامی - صنعتی غرب سرازیر می‌نماید (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص. ۴۶). بنابراین رقابت تسلیحاتی فصل بسیار پیچیده‌ای را برای منافع ملی و روابط کشورهای منطقه باز می‌کند. تا آنجا که در دسترس بودن تسلیحات لازم برای حاکمیت یک کشور حیاتی است، تا جایی که می‌تواند کشور را در نقطه تضاد با سایرین قرار دهد. هر اقدامی که توسط یک دولت منطقه‌ای برای خرید تسلیحات جدید اتخاذ شود، سایر کشورهای منطقه را تحریک می‌کند تا به وضعیت تقریباً برابری در مورد تسلیحات دولت سابق برسند. نکته قابل توجه این است که رقابت تسلیحاتی در خلیج فارس یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده اعتمادسازی، امنیت و یکپارچگی منطقه است. پس از توقف جنگ هشت ساله ایران و عراق، تهاجم عراق به کویت و حمله نیروهای متفقین به عراق، شورای همکاری خلیج فارس به شدت نگران برتری قدرت نظامی ایران بود که خسارات زیادی به ارتش عراق وارد کرد. در طول جنگ خلیج فارس در منطقه هر کشوری تهدیدی برای دولت مقابل و مایه نگرانی آن محسوب می‌شد. منشأ همه این تنش‌ها و تشویش‌ها را باید در نقشه‌های سیاسی و جغرافیایی این کشورها جست‌وجو کرد که برای حل آن به رقابت تسلیحاتی و ژئوپلیتیکی روی آورده‌اند (Kural, 2020, pp. 12-13). در یک دهه اخیر و به خصوص از زمان پاداشی ملک سلمان، عربستان ایران را به عنوان تهدید امنیتی خود در منطقه خلیج فارس تصور و تعریف کرده است و بر این اساس بیشترین تلاش‌های ریاض به موازنه سازی در

برابر ایران معطوف بوده است. در این راستا عربستان در دوره اخیر ایجاد ائتلاف منطقه‌ای گسترده به رهبری خود برای مقابله با ایران را دنبال نموده است (Coate & Ulrichsen, 2016, pp. 9-11).

۴. رویکرد امنیتی کشورها

هدف اصلی هر رویکرد امنیتی میان کشورها، ایجاد نظم در محیطی است که در صورت عدم وجود این نظم یک محیط بین‌المللی ذاتا آناشیک و متشکل از ملت‌ها و گروه‌های فردی با منافع متضاد و همپوشانی شکل خواهد گرفت. ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها و عامل اصلی هر نظم امنیتی پایدار در ساختار منطقه‌ای این است که به عنوان ابزاری برای تامین کالاهای فرهنگی، مادی، روانی و حتی معنوی تلقی شود. به هر حال، یک نظم امنیتی در نهایت از طریق مصالحه ساخته می‌شود و مصالحه معمولاً به عنوان توافقی در نظر گرفته می‌شود که در آن همه طرف‌ها بخشی از آنچه را که می‌خواهند به دست می‌آورند، اما هیچ‌کس به همه آن چیزی که می‌خواهد نمی‌رسد. در واقع داشتن نظم و رویکرد امنیتی مبنایی برای روابط کشورها در ابعاد مختلف را فراهم می‌کند (Kraig, 2006, p 2). بنابراین یکی از زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی کشورهای موجود در یک منطقه رویکرد امنیتی کشورها می‌باشد. در این راستا داشتن رویکرد مشترک می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری تعامل و الگوی دوستی میان کشورها باشد و از سوی دیگر فقدان رویکرد امنیتی مشترک می‌تواند بستر و زمینه را برای رقابت و تنش ژئوپلیتیکی میان کشورهای موجود در یک منطقه فراهم آورد. با توجه به تداوم بی‌ثباتی در منطقه استراتژیک خلیج فارس، شروع و در نهایت اجرای یک رویکرد امنیتی منطقه‌ای که همه بازیگران منطقه‌ای مرتبط را درگیر می‌کند، قطعاً چیزی است که توجه بیشتر را می‌طلبد. در این مرحله، چنین مکانیزمی وجود ندارد. موسساتی مانند اتحادیه کشورهای عربی (LAS) و شورای همکاری خلیج فارس (GCC) مکان‌هایی هستند که در آن تبادلات و گفتگو می‌تواند انجام شود، اما عضویت آن‌ها محدود است و به همین دلیل آن‌ها بستری را که همه بازیگران منطقه بتوانند در آن مشارکت و تعامل ژئوپلیتیکی با یکدیگر داشته باشند ارائه نمی‌دهد. از سوی دیگر، سازمان همکاری اسلامی که مقر آن در جده عربستان

سعودی است، برای تمرکز بر عناصر اصلی امنیتی موجود در خلیج فارس بسیار گسترده است. پیشنهادهایی مانند اتحاد استراتژیک خاورمیانه اخیر یا «ناتوی عربی» نیز با توجه به حذف و هدف قرار دادن ایران نیز در زمینه شکل‌گیری رویکرد امنیتی موفقیت‌آمیز نیست (Koch, 2020, p 1). بنابراین در منطقه خلیج فارس فقدان رویکرد امنیتی مشترک به خصوص در میان سه کشور ایران، عربستان و عراق زمینه را برای رقابت و تنش فراهم آورده است.

۵. سازمان منطقه‌ای

سازمان‌های منطقه‌ای در صورتی که تمام کشورهای یک منطقه را در برگیرد و کشورها با هم روابط مسالمت‌آمیز داشته باشند می‌تواند مبنایی برای تعامل ژئوپلیتیکی کشورها باشد، اما در صورتی که سازمان‌ها تمام کشورهای منطقه را در بر نگیرد می‌تواند یک ساختار منطقه‌ای دو قطبی یا چند قطبی در منطقه شکل گیرد و مبنایی برای رقابت و تنش ژئوپلیتیکی در منطقه باشد. در منطقه خلیج فارس شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ شکل گرفته است. با این همه روند تعامل ژئوپلیتیکی در این شورا با موانع و چالش‌هایی روبروست که موفقیت آن را تحت تاثیر قرار می‌دهد.



شکل ۲. چالش‌های شورای همکاری خلیج فارس در ایجاد تعامل ژئوپلیتیکی میان کشورهای منطقه

منبع: (زارعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱)، ترسیم: نگارنده

بنابراین سازمان منطقه‌ای در خلیج فارس بستر و زمینه را برای تعامل ژئوپلیتیکی فراهم نکرده است و چون این سازمان شش کشور جنوبی خلیج فارس را در بر می‌گیرد و ایران و عراق را به عنوان دو کشور مهم منطقه در بر نمی‌گیرد بیشتر مبنای برای رقابت و تنش ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه بوده است.

۶. ایدئولوژیک گرایی

ویژگیها و مشخصه‌های اصلی ایدئولوژیک حاکم بر روابط کشورهای منطقه خلیج فارس را می‌توان به شرح ذیل عنوان کرد:

- تقسیم فضایی و ایجاد قلمروهای ژئوپلیتیکی (ایجاد فضای دوقطبی و تشکیل دو اردوگاه) براساس ایدئولوژی شیعی و محور مقاومت (ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین) به رهبری ایران در برابر ایدئولوژی سنی‌گرا و وهابی (عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی) به رهبری عربستان سعودی.

- اختلافات و رقابت‌های ایدئولوژیک قطر و عربستان در مواردی همچون رقابت بر سر رهبری منطقه‌ای در جهان عرب، اختلافات سرزمینی و ادعاهای دو کشور نسبت به یکدیگر و تفکرات اخوانی و وهابی حاکم بر حاکمیت و سیاست آن‌ها (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۳).

- اختلافات ایدئولوژیک میان عربستان سعودی و امارات: عربستان سعودی با ایدئولوژی وهابیت حاکم بر آن که از پایه‌های مشروعیت بخش به نظام سیاسی این کشور نیز است، اقدام به صدور این ایدئولوژی افراطی به سایر کشورها برای به دست آوردن یک ابزار فشار دائمی علیه حکومت‌های آنهاست. اما امارات عربی حامی نوعی اسلام سکولار و صوفیانه است که در فضای فرهنگی اجتماعی این کشور نمود دارد. (اولیایی، ۱۳۹۶).

- رقابت شدید برای گسترش حوزه نفوذ و انبساط قلمرو ژئوپلیتیکی خود در فضاهاى جدید (مانند یمن، غزه، افغانستان) و تلاش برای نفوذ در قلمرو ژئوپلیتیکی رقیب (مانند تلاش عربستان برای نفوذ در عراق و تلاش ایران برای ارتباط نزدیک با قطر) و همچنین تلاش برای انقباض قلمرو ژئوپلیتیکی رقیب.

• اصال‌ت دادن به ایدئولوژی سیاسی و تلاش برای انتشار ارزش‌های آن در قلمرو ژئوپلیتیکی خودی و حتی قلمرو رقیب و بی‌توجهی و کم‌توجهی به سود و زیان اقتصادی.

• نگرش سیاه و سفیدی، صفر و صدی، حق و باطل به یکدیگر.

• بزرگنمایی تهدید از یکدیگر و متناسب کردن تقریباً ریشه تمام بحرانهای منطقه‌ای و حتی داخلی خود به رقیب.

• تمرکز ویژه دو قدرت رقیب بر نهادهای نظامی برون‌مرزی و تقویت آن‌ها بر اساس ائتلاف‌های نظامی — امنیتی (نیروی نظامی سپر (شبه) جزیره از سوی عربستان و کشورهای عضو شورای همکاری و در مقابل نیروهای سپاه قدس ایران با همکاری حشد شعبی عراق و حزب الله لبنان.

• نظامی‌گری و رقابت تسلیحاتی دو قدرت رقیب منطقه‌ای: قدرت هوایی با اتکا بر خرید جنگنده‌های پیشرفته آمریکایی و اروپایی از سوی عربستان سعودی و اختصاص بیش از ده درصد تولید ناخالص داخلی عربستان به بودجه نظامی و تمرکز ایران بر تقویت قدرت موشکی با اتکا بر توان بومی.

• وقوع جنگ‌های نیابتی در کشور ثالث (سوریه، یمن) و پشتیبانی از دولت‌ها یا گروه‌های سیاسی و شبه‌نظامی همسو با ایدئولوژی خود و تلاش برای شکست و به عقب راندن گروه‌های وابسته به ایدئولوژی رقیب.

• نگاه متعارض در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس (تامین امنیت منطقه‌ای به صورت بومی و مبارزه با حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه از سوی ایران در مقابل پیوند امنیت منطقه خلیج فارس با قدرت‌های غربی و همپیمان غرب از سوی عربستان سعودی).

• تلاش برای رهبری در جهان اسلام (ویسی، ۱۳۹۸، ص. ۲۳۲-۲۳۳).

در مجموع باید گفت که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های روابط ژئوپلیتیکی کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان با ایران در رابطه با ایدئولوژی حاکم بر کشورها بوده است. باید خاطر نشان کرد که این رقابت و رویارویی از جانب عربستان سعودی نسبت به ایران بیشتر است و ایدئولوژی

انقلاب اسلامی ایران با رویکردی آرمان‌گرایانه، خود را در برابر استکبار جهانی و مقابله با صهیونیسم بین‌الملل تعریف می‌کند. اما از آنجایی که عربستان سعودی به عنوان هم‌پیمان غرب و دولتی که بیشترین تعارض منافع و چالش ژئوپلیتیکی را با ایران به وجود آورده است، رویارویی این دو قدرت منطقه‌ای در ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای خلیج فارس و جنوب غرب آسیا نمایان است.

۷. عامل تاریخی - تمدنی

تفکر برتری‌پنداری بین ساکنان فضاها، جغرافیایی، پدیده‌ای عام است که از سطح محلی تا سطح منطقه‌ای و حتی جهانی می‌توان نمونه‌های فراوانی از آن آورد. تفکر برتری‌پنداری و فرودست‌انگاری و پیروانگاری دو تمدن ایرانی و سامی نیز یکی از آن‌ها است. تفکر برتری‌انگاری، احساسی تصویری است که بین ملت‌ها شکل می‌گیرد و این احساس مبنای عمل و کنش اجتماعی را شکل می‌دهد. وجود رقابت‌های تاریخی - تمدنی بین کشورها، رقابت بین کشورهای متعلق به یک حوزه تمدنی بر سر رهبری آن سازه تمدنی همواره زمینه ساز شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها هست. پیوندهای تاریخی و تمدنی گاهی منجر به شکل‌گیری تعامل ژئوپلیتیکی می‌شود در صورتی که اشتراکات تاریخی - تمدنی وجود داشته باشد. از سوی دیگر زمینه‌های تاریخی و تمدنی منجر به رقابت و تعارضات ژئوپلیتیکی میان کشورها می‌شود (Barent, 1998, p 2). بنابراین یکی از عوامل بسیار مهمی که در تسهیل همکاری کشورها نقش بسیار زیادی دارد، ذهنیت‌ها و زمینه‌های تاریخی مشترک است. اما ایران و اعراب به رغم داشتن روابط خارجی طولانی با یکدیگر، همچنان نسبت به هم حساس‌اند. برخی از این اختلافات دارای «ریشه‌های تاریخی» هستند. نگاه قوم‌محور اعراب نسبت به خود و دیگران، که حتی می‌توان پیشینه آن را تا پیش از اسلام هم امتداد داد، از جمله عوامل اختلافات تاریخی ایرانی - عربی است. پس از اسلام نیز گرایش تدریجی ایرانیان به تشیع، همواره حساسیت اعراب سنی، به‌ویژه دستگاه خلافت امری و عباسی را برانگیخته است. «قومیت عربی» و «مذهب سنی» به عنوان دو عامل تاریخی در جهان عرب، سبب ایجاد دیدگاه و احساس منفی و قضاوت‌هایی

نادرست نسبت به ایرانیان - صرف نظر از نوع حکومتی که در ایران بر سر کار باشد - شده است. همین نگاه تاریخی اعراب به ایران در شکل‌گیری نگرش‌های بعضاً ضدایرانی تأثیر زیادی داشته است (نجفی فیروزجایی، ۱۳۸۶، ص. ۳۱). در این میان نباید نقش ملی‌گرایی و ناسیونالیسم را در این رقابت و تنش بی‌تأثیر دانست. در طول تاریخ ایران و اعراب همیشه ناسیونالیسم ایرانی و عربی در برابر هم قرار داشته‌اند و همواره ناسیونالیسم عرب و روحیه پان‌عربیسم در مقابل منافع ملی ایران بوده است (فرخ، ۱۳۸۴، ص. ۱۰-۹). بنابراین باید گفت که عامل تاریخی - تمدنی دو هویت ایرانی و عربی را در مقابل یکدیگر قرار داده است و منجر به رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به خصوص عربستان شده است (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۹۶، ص. ۱۵).

۸. پیوندهای مذهبی میان کشورهای منطقه

به عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت همه مناطق موفق که تاکنون در عرصه جغرافیای سیاسی جهان نقش آفرین بوده‌اند، کشورهای آن منطقه دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی مشترکی بوده که از زیربنای ساخت نظام منطقه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ اتحادیه اروپا، آسه آن، مرکوسور و... از این گونه‌اند. در منطقه خلیج فارس نیز دین اسلام و ارزش‌های مشترک آن می‌تواند چنین نقشی را در ایجاد تعامل ژئوپلیتیکی داشته باشد، مشروط بر اینکه دولت مردان منطقه بر روی اصول مشترک، مورد اجماع و وحدت بخش به تفاهم برسند و از عوامل تفرقه‌انگیز که در همه فرهنگ‌های منطقه‌ای مشترک می‌تواند وجود داشته باشد، پرهیزند. در حال حاضر عامل مذهب بیشتر از عامل رقابت و تنش ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس به ایفای نقش می‌پردازد. شکل‌گیری جنگ‌های نیابتی در کشورهای پیرامون منطقه و نوع رویکرد کشورهای منطقه نسبت به مسئله فلسطین و بحران‌های یمن، سوریه، لبنان، عراق و بحرین بیانگر تاثیرگذاری مذهب در روبرو ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه است (Dina, 2019).

۹. گروه‌های قومی در کشورهای منطقه

بررسی گروه‌های قومی در منطقه خلیج فارس بیانگر وحدت در بخش جنوبی خلیج فارس در قالب اکثریت عرب آن‌ها و تفاوت آن‌ها با بخش شمالی یعنی ایران با اکثریت فارس می‌باشد. در واقع این وحدت خود باعث تعامل و همکاری در میان کشورهای جنوبی بوده و در نقطه مقابل به عنوان یک عامل بازدارنده منجر به رقابت و تقابل ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس شده است. بنابراین می‌توان گفت که عوامل واگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس مانند تمایزات فرهنگی شامل تمایزاتی در قومیت، مذهب، زبان، خط و فرهنگی با ایران موجب ایجاد یک مجموعه واگرا در منطقه خلیج فارس گردیده است.

اقوام ساکن در منطقه خلیج فارس را اغلب اعراب سامی و حامی (شاخه‌ای از نژاد سفید ففقاژی)، که حدود ۳۹ درصد جمعیت منطقه خلیج فارس را در بر می‌گیرد و در هفت کشور جنوبی خلیج فارس ساکنند تشکیل می‌دهند. قوم بزرگ دیگر ساکن در منطقه آریایی‌های ساکن در ایران و مهاجران ایرانی مستقر در کشورهای عربی منطقه است که حدود ۲۹ درصد جمعیت منطقه را شامل می‌شود (زارعی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲-۱۲۳). قوم پرستی افراطی در بین گروه‌هایی از اعراب و ایرانیان که همواره خواستار ایجاد خط حائل بین عرب و ایرانی هستند، دست رد بر همکاری با طرف دیگر زده است و عاملی بازدارنده در تعامل ژئوپلیتیکی و همکاری راهبردی قلمداد می‌شود. یکی از موضوع‌هایی که سبب رقابت و تنش ژئوپلیتیکی در منطقه خلیج فارس می‌شود، تفاوت‌های قومی و اختلاف‌های تاریخی موجود در میان این کشورهاست. اختلاف‌های آریایی - عربی در منطقه ریشه‌های ذهنی و تاریخی طولانی دارد و زمینه‌های مستعدی را در حافظه تاریخی این دو قوم باقی گذاشته که موجب کشمکش و تعرض، به صورتی نسبتاً لاینحل شده است، این مشکل، فقط در حوزه ایرانی - عربی نیست؛ بلکه در حوزه عربی بین کشورهای مختلف کرانه جنوبی خلیج فارس نیز وجود دارد که هر قوم مستقر در این سرزمین‌های خود را برتر از قوم دیگر و نسب خود را تاریخی‌تر می‌شمارد؛ مثلاً خانواده‌های حاکم بر بحرین، رأس الخیمه و تارجه، خود

را اصیل‌تر و دارای تبار و ریشه در تاریخ منطقه می‌دانند.

۱۰. منابع آب و رودخانه‌های بین‌المللی

بنابراین این واقعیت ژئوپلیتیکی امروز مورد اذعان همه اندیشمندان بوده که جغرافیای خشک و کم‌توان و ظرفیت اقتصاد ایلی و کشاورزی ضعیف کشورهای منطقه خلیج فارس، زمینه ساز بخشی از رقابت‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی در منطقه بوده است. اگر به جغرافیای سرزمینی و طبیعی شبه جزیره عربستان و هفت کشوری که در همسایگی ایران قرار دارند از منظر آب، خاک حاصل‌خیز، کشاورزی، تأمین نیازهای معیشتی و زیستی مردم آن دیار بنگریم بهتر می‌توانیم وضعیت آب و روابط کشورها را بررسی کنیم.

جدول ۳. میانگین بارندگی سالانه، ماههای بارندگی و رودهای کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۲۶۰ میلی‌متر	مهر- آبان- آذر- دی- بهمن- اسفند- فروردین	۶۲ رود دائمی و صدها رود فصلی
عراق	۱۰۰ میلی‌متر	آبان- آذر، دی- بهمن	۷ رودخانه دائمی
عربستان سعودی	۱۰۰ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن- فروردین	فاقد رودخانه دائمی
کویت	۱۰۸ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
عمان	۱۵۰ میلی‌متر	مهر- آذر- فروردین- شهریور	فاقد رودخانه دائمی
قطر	۱۱۵ میلی‌متر	آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
امارات متحده عربی	۶۵ میلی‌متر	مهر- آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی
بحرین	۱۰۰ میلی‌متر	آبان، آذر- دی- بهمن	فاقد رودخانه دائمی

Source: Fao2020.org

جدول ۴. میزان اراضی قابل کشت و غیر قابل کشت کشورهای منطقه خلیج فارس

ایران	۱۰٪ قابل کشت	۹۰٪ غیر قابل کشت
عربستان سعودی	۱٪ قابل کشت	۹۹٪ غیر قابل کشت
عراق	۵٪ قابل کشت	۹۵٪ غیر قابل کشت
کویت	۰/۳٪ قابل کشت	۹۹/۹۷٪ غیر قابل کشت
قطر	۱٪ قابل کشت	۹۹٪ غیر قابل کشت
عمان	۳٪ قابل کشت	۹۷٪ غیر قابل کشت
امارات متحده عربی	۲/۵٪ قابل کشت	۹۷/۵٪ غیر قابل کشت
بحرین	۲٪ قابل کشت	۹۸٪ غیر قابل کشت

Source: Fao2020.org

با توجه به دو جدول بالا و آنچه تا به اینجا در خصوص ریزش های جوی، اراضی قابل کشت و غیر قابل کشت و اقتصاد کشاورزی منطقه جنوب خلیج فارس مطرح شد، نشان می دهد که این منطقه از ابتدای سکونت بشری تا قبل از کشف نفت و حتی امروز دارای کمبود آب و فاقد توان لازم برای ایجاد یک اقتصاد کشاورزی پویا و ساخت یک حکومت فئودالی برآمده از آن نظیر آنچه در اروپای سده میانه روی داده، بوده است. به همین دلیل این مولفه نقش مهمی در روابط ژئوپلیتیکی کشورها منطقه ایفا نموده است. به نظر می رسد که در آینده ای نزدیک آب، همچون نفت نقش مهمی در روابط کشورهای منطقه ایفا کند. تمام کشورهای منطقه با کمبود منابع آب مواجه هستند و بیش از ۹۰ درصد از آب های زیر زمینی در هشت کشور حوزه خلیج فارس مورد بهره برداری قرار گرفته است. این مولفه ها با اقلیم خشک و کم بارش منطقه، کمبود رودخانه های دائمی و اراضی غیرقابل کشت زیاد منطقه اضافه می گردد و بستر را برای رقابت های ژئوپلیتیکی کشورها فراهم می سازد.

۱۱. مرزهای دریایی

کنترل و مالکیت مناطق دریایی که در مجاورت سرزمین های کشورها قرار دارند، از جمله مناطقی که دارای امتداد دریا هستند، مدت ها موضوع بحث برانگیز در روابط کشورها بوده است. از زمانی که امپراتوری های باستانی شروع به کشتیرانی و تجارت در خارج از کشور کردند، نظارت و اقتدار بر نواحی ساحلی موضوع مهمی برای نهادهای حاکم بر چنین مناطقی بوده است. اهمیت این مناطق به خاطر آن است که حاکمیت کشورها بر قلمرو آنها را مشخص می نماید. در این میان وجود منابع زیرزمینی به خصوص منابع هیدروکربنی در بستر و در محدوده فلات قاره اهمیت مرزهای دریایی و نقش آن در روابط کشورها را بیش از پیش نمایان می سازد. بنابراین وجود حوزه و قلمروهای دریایی مورد اختلاف میان کشورها مبنایی برای تعاملات، رقابت در بهره برداری ها و تنش ژئوپلیتیکی میان کشورها را فراهم می سازد.

تحدید حدود مرزهای دریایی در مقایسه با مرزهای زمینی راحت تر انجام می

شود. بر این اساس مرزهای دریایی برخی از کشورهای خلیج فارس، تحدید حدود شده است. علت تحدید حدود نشدن مرزهای دریایی، عدم تحدید حدود مرزهای زمینی و اختلافات سرزمینی میان کشورهای این منطقه است. به عنوان نمونه ادعای سرزمینی عربستان نسبت به قطر و امارات متحده عربی و یا اختلافات سرزمینی میان عمان و امارات متحده عربی و یا ادعاهای عراق نسبت به کویت، مانع تحدید حدود مرزهای زمینی و به تبع آن مرزهای دریایی میان این کشورها شده است. بنابراین یک همبستگی بین مرزهای زمینی و مرزهای دریایی دیده می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۵).

در منطقه خلیج فارس در محدوده فلات قاره ۱۶ مرز دریایی وجود دارد. در این میان در ۷ مورد همکاری و تعامل میان کشورها وجود داشته و مرزهای دریایی در میان آن‌ها تحدید حدود شده است که در ادامه آورده شده است:

• بحرین - عربستان سعودی،

• ایران - عربستان،

• ایران - بحرین،

• قطر - ایران،

• قطر - امارات متحده عربی،

• ایران - عمان،

• بحرین - قطر (مورد اختلاف جزایر حوار که در ۱۶ مارس ۲۰۰۱ در دیوان بین‌المللی دادگستری حل و فصل شد. البته که هنوز هم تنش‌هایی میان دو کشور در این مورد وجود دارد).

همچنین ۹ مرز در محدود فلات قاره میان کشورهای منطقه وجود دارد که تحدید حدود نشده است و رقابت و اختلاف میان کشورها در این مرزها همچنان ادامه دارد که در ادامه آورده شده است:

• ایران - امارات متحده عربی؛

• عمان - امارات متحده عربی؛

• قطر - عربستان سعودی

- عربستان سعودی - قطر (مورد خور العدید)؛
- عربستان سعودی ابوظبی (مورد خور العدید)؛
- کویت - ایران؛
- کویت - عراق؛
- کویت - عربستان سعودی؛
- ایران و عراق (Mojtahedzadeh & zarei, 2017, pp. 55-56).

۱۲. منابع زیرزمینی و فسیلی (منابع طبیعی مشترک میان کشورها)

بررسی وضعیت ژئواکونومیک و منابع زیرزمینی نشان دهنده وضعیت مطلوب خلیج فارس در این زمینه است. در واقع خلیج فارس دارای دو ویژگی بسیار مهم است از یک سو وجود منابع هیدروکربنی سرشار در عمق دریا و از سوی دیگر عرض کم دریا در خلیج فارس. حالا برخی منابع طبیعی میان دو کشور قرار دارند. در واقع برخی میدان‌های نفتی و گازی در محدوده مرزهای دریایی و اشتراک میان دو کشور قرار دارند. در صورتی که مرز دریایی میان کشورها تحدید حدود نشده باشد این میدان‌های دریایی مشترک بیشتر زمینه ساز رقابت و تنش ژئوپلیتیکی در روابط کشورها می‌شود. در نقطه مقابل تحدید حدود مرزهای دریایی می‌تواند مبنایی برای تعاملات و همکاری‌های کشورها در بهره‌برداری از میادین مشترک باشد. امروزه در خلیج فارس شاهد برخی تعاملات و همکاری در بهره‌برداری از میادین مشترک هستیم که در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. تعاملات بر سر میادین مشترک در خلیج فارس

<p>در سال ۱۹۲۲، بین کویت با عربستان سعودی فعلی، معاهده مرزی «الاکبر» منعقد شد که ناظر به تحدید حدود مرز خشکی بین دو کشور بود. بر اساس این معاهده هر دو طرف دارای حقوق مساوی در منابع طبیعی این منطقه دریایی بود و میادین نفتی واقع در ماورای ۶ مایلی دریای سرزمینی منطقه حائل بایستی به صورت مشترک بهره برداری شوند. در ماده ۱۷ این موافقتنامه به منظور تضمین تداوم تلاش دو دولت جهت اکتشاف و استخراج متناسب منابع طبیعی در منطقه حائل، یک کمیسیون مشترک تشکیل می‌شود. (Onorato, 1984, pp. 539-544).</p>	<p>عربستان و کویت</p>
<p>این توافق در سال ۱۹۵۸ بین دو کشور انعقاد گردید. بر اساس این توافق مرزهایی دریایی بین دو کشور تحدید حدود شده و ۱۶ نقطه جغرافیایی حدود این مناطق را مشخص می‌کند (Dehghani, 2009).</p>	<p>عربستان با بحرین</p>

قطر با امارات	این موافقتنامه در ۲۹ مارس ۱۹۶۹ بین قطر و ابوظبلی منعقد شد. در ماده ۴ آن مرز دریایی قطر و امارات بر اساس نقاط مشخص و بر مبنای طول و عرض جغرافیایی تعریف شده است. میدان مشترک بین دو کشور میدان البندق است. ماده ۶ سند مذکور که ناظر به حوزه تفتی البندق می باشد، مقرر می دارد میدان البندق باید به صورت مساوی بین دو طرف تقسیم شود. دو طرف به صورت دوره ای در خصوص تمام مسائل مربوط به این میدان و اکتشاف آن، به منظور اعمال حق حاکمیت خود بر مبنای انصاف و عدالت مشورت خواهند کرد (Dehghani, 2009).
ایران و عربستان	توافق میان ایران و عربستان در سال ۱۹۶۸ به امضای دو کشور رسید. میداین مشترک بین دو کشور در مناطق دریایی فریدون و مرجان قرار داشت. سرانجام در هنگام انعقاد موافقتنامه نهایی خط تحدید حدود به نحوی ترسیم شده که میداین کشف شده نفت در بخش شمالی بر مبنای یک خط میانه به دو نیم تقسیم شده و منطقه دریایی موسوم به فریدون به ایران و منطقه دریایی مرجان به دولت عربستان تعلق گرفت (Dehghani, 2009).
ایران و امارات	در سال ۱۹۷۱ پس از مذاکرات طولانی میان انگلستان و ایران، از آنجا که جزایر تنب در قسمت شمالی خط میانه خلیج فارس قرار داشتند، دولت بریتانیا به صورت شفاهی موافقت خود را با اعاده حاکمیت ایران بر این جزایر اعلام کرد (جالینوسی و پراری، ۱۳۸۶، ص. ۵۰). اما در مورد ابوموسی در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ بین ایران و حاکم شارجه موافقتنامه‌ای امضا شد. در این موافقتنامه هیچ یک از طرفین ادعای طرف مقابل را در مورد حاکمیت این جزیره به رسمیت نشناخته است. در عین حال کنترل و تصرف جزیره توسط دو طرف و نیز شناسایی آبهای سرزمینی ۱۲ مایلی (مطابق قانون آبهای سرزمینی ایران) پذیرفته شده است
ایران و عمان	از آنجا که دو کشور ایران و عمان دارای سواحل مقابل می باشند، قاعده عرفی تقسیم فلات قاره بر اساس خط متساوی الفاصله قابل اعمال است. مذاکرات دو دولت ایران و عمان در مورد تحدید حدود مناطق دریایی خود در سال ۱۹۷۱ آغاز و منجر به انعقاد موافقتنامه‌ای در ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۴ شد قانون موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره بین دولت ایران و عمان در ۲۶ آبان ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی و در شانزدهم دی ماه همان سال به تصویب مجلس سنا رسید. طبق ماده یک این موافقتنامه خط مرزی فلات قاره بین دو کشور بر اساس مختصات طول و عرض جغرافیایی تعیین شده است. بین ایران و عمان موافقتنامه مستقلی در مورد میداین مشترک نفت و گاز منعقد نگردیده است.
ایران و قطر	این موافقتنامه در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۷ هجری شمسی) به تصویب مقامات دو کشور رسید و اسناد آن در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۸) مبادله شد. قانون موافقتنامه راجع به خط مرزی حد فاصل فلات قاره بین ایران و قطر در سال ۱۳۴۸ به تصویب مجلس سنا و مجلس شورای ملی رسید. ماده یک از سند خط مرزی فلات قاره بین دو کشور را مشخص می کند و در ماده ۲ این موافقتنامه تعهداتی دقیقاً منطبق با تعهدات مندرج در ماده ۲ موافقتنامه‌های تحدید حدود دریایی ایران و بحرین و ایران و عمان، در رابطه با مخازن مشترک نفت و گاز درج شده است.

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی و تحلیل متون

بنابراین سرزمین کهن خلیج فارس سرشار از منابع زیرزمینی است. اما آنچه در ارتباط با منابع مشترک حائز اهمیت می‌باشد به وجود ذخایر فسیلی امتداد یافته در نواحی مرزی و میدان‌های مشترک نفت و گاز بین کشورهای منطقه که اهمیت استراتژیک دارند بر می‌گردد. از سوی دیگر چون ایران در منطقه‌ی انرژی خیز خاورمیانه و مرکز بیضی استراتژیک واقع شده بر حساسیت این موضوع افزوده

است.

۱۳. تنگه استراتژیک هرمز

تنگه هرمز نیز دارای ویژگی‌هایی است که بر روابط ژئوپلیتیکی کشورهای منطقه خلیج فارس تاثیرگذار است که در ادامه آورد شده است.

- واقع شدن تنگه هرمز در ابتدای دهلیز فلات ایران زمینه را برای ورود نیروهای مهاجم به داخل فلات ایران و شکل گیری تنش ژئوپلیتیکی مهیا می‌سازد.
- نقش کنترلی و تدافعی تنگه هرمز بر شبه جزیره عربستان؛ یکی از ویژگی‌های تنگه هرمز، به خصوص بخش شمالی به همراه جزایر آن که در اختیار ایران قرار دارد، تکیه گاه دفاعی و نقش کنترلی بسیار قوی بر شبه جزیره عربستان دارد. به نظر می‌رسد سه نقطه تنگه هرمز، باب المندب و کانال سوئز به عنوان نقاط کنترلی آن شناخته می‌شوند که تنگه هرمز هم برای قدرت دریایی در مقابله با قدرت بری و هم قدرت خشکی در مقابل قدرت دریایی، دارای نقش تدافعی بسیار مطلوبی است.

- موقعیت شمالی تنگه در حاشیه و ریملند؛ بر اساس نظریه تایید شده اسپایکمن، ریملند اصولاً عرصه کشمکش و رقابت ژئوپلیتیکی دو قدرت بحری و بری (دریایی و زمینی)، بوده و هر دو قدرت برای جلوگیری از نفوذ و تسلط بر آن در تلاش و تکاپو بوده اند. بخش شمالی تنگه هرمز به دلیل واقع بودن در بخش انتهایی جدار نازک ریملند، محل انطباق خطوط دفاعی دو قدرت دریایی و خشکی است، به نوعی می‌توان گفت خط دفاعی قدرت دریایی و خط دفاعی قدرت خشکی در تنگه هرمز به خصوص بخش شمالی آن بر یکدیگر منطبق می‌شود.

- بخش شمالی تنگه هرمز عامل مهمی در تامین امنیت منطقه خلیج فارس و جریان مداوم انرژی و ایجاد آسایش و رفاه مردم ساکن در این منطقه استراتژیک است.

• ارتباط تنگه هرمز به آب های آزاد اقیانوس هند؛

- تنگه هرمز، همچنین برای دفاع از شبه جزیره مسندم عمان نیز حائز اهمیت

فراوان است.

• تنگه هرمز عامل پنخس بحران به اقیانوس کبیر؛ این تنگه صحنه عملیات اقیانوس آرام که شامل خشکی‌ها و آب‌های بین آن است نیز به شمار می‌آید. بخشی از صحنه عملیات این اقیانوس شامل اقیانوس هند و دریاهای پیرامونی آن است که شاخک خلیج فارس یکی از مهم‌ترین آنان محسوب می‌شود. اهمیت شاخک خلیج فارس بدین سبب است که به عنوان یکی از کانون‌های بحران‌زای کنونی و آینده جهان شناخته می‌شود.

• تنگه هرمز یکی از ۹ آبراه کلیدی و استراتژیک غیر قابل جایگزین جهان است که نقش حیاتی در روابط کشورها دارد. روزانه ۱۵ نفت کش از تنگه هرمز عبور می‌کنند که به طور کلی به وسیله ۱۷/۴ میلیون بشکه نفت را از تنگه هرمز به هند، چین، ژاپن، اروپا و آمریکا حمل می‌کنند.

نتیجه‌گیری

جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است. به هویت، سرشت و تاریخ حکومت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها یاری رسانده یا مانع آن شده است و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آنها بازی کرده است. در این میان ژئوپلیتیک به نوبه خود که یکی از جنبه‌های مطالعاتی و اصلی آن بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌هاست، به دنبال کشف و اثبات این واقعیت است که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و تکه زمینی که یک کشور بر روی آن قرار گرفته است گزینه‌های سیاست خارجی حکومت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب حکومت‌ها تعیین می‌کند. کوهن در این رابطه معتقد است که روابط سیاسی بین کشورها تحت تأثیر ارزش استراتژیک مکان‌ها قرار دارد و معتقد است که این روابط هم به نوبه خود بر ارزش استراتژیک مکان‌ها تأثیر می‌گذارند. پاتریک مورگان نیز یادآور می‌شود موضوعات مطرح در مناقشات ناگوار و حاد، اغلب ریشه در سرزمین، قومیت (غالباً وابستگی به سرزمین) یا مذهب داشته و در رابطه با کشورهای (مردمان) نزدیک (یا همسایه مجاور) هست. در منطقه خلیج فارس، ۸ کشور بر روی یک حوزه ژئوپلیتیکی واقع شده‌اند و دارای زمینه‌های جغرافیایی زیادی برای شکل‌گیری

روابط ژئوپلیتیکی و ابعاد آنها می‌باشند.

مطالعه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، نشان می‌دهد که اهمیت خلیج فارس در طول تاریخ به‌طور روزافزون، افزایش یافته است، به‌طوری‌که اهمیت اقتصادی و ترانزیتی آن قدمت بسیار طولانی دارد و جایگاه ژئوپلیتیکی آن در طول جنگ سرد و پس‌از آن برای قدرت‌های جهانی دارای اهمیت بسیاری بوده است. در واقع مهم‌ترین زمینه‌هایی که منجر به اهمیت خلیج فارس شده است نیز ریشه در زمینه‌های جغرافیایی این منطقه دارد که منجر به شکل‌گیری الگوهای روابط ژئوپلیتیکی همکاری، رقابت و ستیز میان کشورهای این منطقه و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی شده است. از آنجایی که تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از تعامل‌ها و کشمکش‌ها در منطقه خلیج فارس از چگونگی سازمان‌یابی سیاسی سرزمین ناشی می‌شود، بر همین اساس می‌توان منشأ جغرافیایی بسیاری از کشمکش‌ها و تعاملات سیاسی را در این منطقه بر اساس شناسایی بسترهای جغرافیایی آنها مشخص کرد که این مهم در این پژوهش با اتکا به نظریه‌ها و رویکردهای شناخته شده در زمینه ژئوپلیتیک و روابط میان کشورهای منطقه پیاده‌سازی شده است. بررسی الگوی روابط ژئوپلیتیک در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های جغرافیایی تاثیرگذار بر روابط میان کشورهای منطقه شامل موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه، ادعاهای سرزمینی کشورهای منطقه نسبت به یکدیگر، ایدئولوژیک‌گرایی موجود در منطقه، ساختار ژئوپلیتیک دو قطبی، رویکرد امنیتی متعارض کشورهای، کمبود آب و رودخانه‌ها مرزی مشترک، کدهای ژئوپلیتیک متعارض، رقابت برای هژمونی منطقه‌ای میان ایران و عربستان، عدم توافق در برخی از مرزهای دریایی مشترک، وجود تنگه استراتژیک هرمز، وزن ژئوپلیتیک نابرابر کشورهای منطقه، عدم موفقیت در شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای جامع، پیوندهای مذهبی و قومی میان کشورهای منطقه می‌باشد. هر کدام از این مولفه‌ها در چندین رویکرد و نظریه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که خود نشان‌دهنده اهمیت این مولفه‌ها می‌باشد.

پی‌نوشت

۱. افراز در اینجا به معنای تحدید حدود و ترسیم شدن مرز میان ایران و کشورهای کویت و عمان است که تا کنون انجام نشده است.

منابع

- اولیایی، محمد (۱۳۹۶). «چشم انداز روابط عربستان سعودی و امارات عربی متحده»، پایگاه خبری و تحلیلی الوقت.
- ربیعی، حسین، صادقی، موسی (۱۳۹۰). «تحلیل فرصت‌ها و چالش‌های جغرافیای سیاسی ایران در خلیج فارس در قرن بیست و یکم»، مجموعه مقالات دهمین همایش ملی علمی - پژوهشی خلیج فارس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات سمت.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۷). «مطالعات منطقه ای خلیج فارس»، انتشارات دانشگاه تهران.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۴۰۰). «تبیین اثرگذاری ژئواکونومی در رقابت‌های عربستان و قطر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲(۱۷)، ۱-۲۶.
- نجفی فیروزجایی، عباس (۱۳۸۶). «نگاه اعراب به ایران: گفتمان‌ها و رویکردها»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷). «روابط ایران و عربستان در پرتو اعتماد متقابل»، فصلنامه میقات حج، ۲(۱۶)، ۲۸-۴۱.
- ویسی، هادی (۱۳۹۸). «رقابت‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی و ایران و ضرورت گذار از ژئوپلیتیک ایدئولوژیک به ژئواکونومی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱(۹)، ۲۱۹ - ۲۴۰.
- موسوی شهیدی، سید مهدی و سید عباس احمدی کروچ (۱۳۹۸). «زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی»، فصلنامه روابط خارجی، ۴۲(۱۱)، ۱۰۲-۶۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین و احمد رحیمی (۱۳۹۷). پروژه ایران هراسی و منافع مالی مجتمع‌های نظامی - صنعتی غرب در منطقه خلیج فارس، فصلنامه روابط خارجی، ۱(۱۰)، ۴۵-۷۸.

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۵). «ژئوپلیتیک مرزهای دریایی در خلیج فارس»، فصلنامه روابط خارجی، ۱(۱)، ۸۹-۱۰۹.

- Allan, J. A. (2002). "Water Security in the Middle East: The Hydro-Politics of Global Solutions", *California Press*.
- Al-Zahrani, Khodran H. and M. B. Baig. (2011). "Water In The Kingdom Of Saudi Arabia: Sustainable Management Options", *The Journal of Animal & Plant Sciences*, 3(21), 601-604.
- Barnet, M. (1998), Dialogue in Arab Politics, New York, *Columbia University Press*.
- Blacksell, M(2006) Political Geography, *Routledge*.
- Braden, K. E. and Shelley, F(2000). Engaging Geopolitics, England: *Person Education Limited*.
- Brzezinski, Zbigniew(1993). Out of Control, Translated by: Granddaughter of Abraham, Tehran: *Information*.
- Bulloch, John and Darwish Adel (1993). Water Wars: Future Conflicts in the Middle East, London: *Victor Gollancz Press*. Canadian Institute of International Affairs
- Chubin, Sharam and Zabih, Sepehr(1974). The Foreign Relations of Iran, Berkeley: *University of California Press*.
- Coates Ulrichsen, Kristian (2016). ISRAEL AND THE ARAB GULF STATES: DRIVERS AND DIRECTIONS OF CHANGE, *center for the MIDDLE EAST Rice University s Baker Institute for Public Poilcy*.
- Doncand, Anne Green(2004). Hydropolitics in the Middle East," *Strategic Review*, 2(21); england. plgrave macmill.
- Gause, f. Gregory (2007). Sudi Arabia: Iraq, Iran, The Regional Power Balance, and the sectarian question, *Strategic Insighyd*, 1(2), 78-89.
- Haggett, peter,(2000). Geography a Modern Synthesis, pearson Education limited, *Edinburgh Gate: prntice Hall*.
- Harlow, William F. (2016). Strategic Silence as a Frame for Understanding the 2017 Embargo Against Qatar, *Journal of Contemporary Rhetoric*, 7(4), 47-59.
- Homer-Dixon, Thomas(1991). Environmental Change and Human Security. *Toronto Press*.
- Jones, Martin(2007). Introduction to Political Geography, translated by Zahra

- Pishgahi-Fard and Rasoul Akbari, Tehran, *University of Tehran Press*.
- Kaplan, Robert(1994). The coming Anarchy. *Atlantic Monthly*.
- Koch, Christian(2020). Towards a Regional Security Mechanism in the Gulf Region, *Policy Report* , 1(16). 45-59.
- Kural,mozafar (2020). Geopolitical Rivalry between Saudi Arabia and Iran in the Middle East, *The Islamic World in International Relations*, *Publisher: Peterlang*
- Levkov, S. and Makarenko, A(2017). Geopolitical Relations in post ussr Europe as a subject of Mathematical modeling and control, *London, UK*.
- Luttwak, E. N. (1990). From geopolitics to geoeconomics: Logic of conflict, grammar of commerce. *The National Interest* , 17(23), 25-44.
- Macdonald, Charles(1980). Iran, Saudi Arabia and Law of the Sea, London: *Greenwood Press*.
- Mackinder, H. (2004). The Geographical Pivot of History. *The Geographical Journal*.
- Onorato William T., (1981). Joint Development of Seabed Hydrocarbon Resources: An Overview of Precedents in the North Sea, *6 Energy Journal*.
- Parker, Geoffrey(2016). The Geopolitics of Domination, *Pulication by Routledge*.
- Pismennaye Elena, karabulatova Irina and Sergey Manishan Roman(2015). Impact of Climate Change on Migration from Vietnam to Russia as a Factor of Transformation of Geopolitical. *Washington D.C: Nixon Center for Peace and Freedom*.
- Puchala, D.J. (2015). "World hegemony and the united Nations", *International Studies Review*.
- Richardson, Lewis, F(1960). Statistics of Deadly Quarrels. Boxwood Press, Pittsburgh Pa.; Quadrangle Books, *Chicago cago*, 132(3434), 211-234.
- Rosamond, Ben (2000). Theories of European Integration. London: *Macmillan Press LTD*.
- Scholvin, Soren(2016). An Overview Of Concepts And Empirical Examples From International Relations, Institute of Economic and Cultural Geography, *University of Hanover*.
- Spykman, Nickolas John, (1944). The Geography of the Peace, New York: *Harcourt, Brace and Company*.

- Taylor, P. J. and Flint, C(2000). Political Geography: World - economy, Nation - states and Locality, (fourth editioned.), London: *Pearson Education*.
- World Bank (2005). A Water Sector Assessment Report on the Countries of the Cooperation Council of the Arab States of the Gulf,, *pub by Report 32(539), 125-144*.
- www.britannica.com/ Encyclopedia Britannica 2018.
- Rashed, dina (2019). Geography, Resources and the Geopolitics of Middle East Conflicts, *Publisher: Peterlang*.
- Www.Fao2020.org.
- Mojtahed-Zadeh, Pirouz & Bahador Zarei (2017). Maritime Boundary Delimitations in the Persian Gulf, *International Studies Journal, 2(14), 49-66*.
- Dijkink, Gertjan (2006). Geopolitics, International Relations and Political Geography: The Politics of Geopolitical Discourse, *Publisher: Routledge*.
- Murphy, Alexander B(2010), Gérard Dussouy's "Systemic Geopolitics", *Publisher: Routledge*
- Rozov, Nikolai(2012), Geopolitics, Geoeconomics, and Geoculture, *Article in Sociological Research*.